

همسایه های توس ۷۴ با الهام گرفتن از تجمعات شبانه، روزه های خیابانی برگزار می کنند

قصه محرم، در یک کوچه بن بست



راه تجربه



فهیمة شهری عصر که می شود، کوچه را جارو می زنند و روفرش می کنند و پهن می کنند. استکان ها را می چینه. چای را دم می کنند و پرچم عزرا به دیوار می زنند. هر همسایه ای کاری را در دست می گیرد. هنوز ساعت ۵ نشده، نیمی از فضا پر می شود. به هر طرف نگاه کنی، بانوانی را می بینی که در حال آمدن به مجلس عزای امام حسین (ع) هستند. اهالی توس ۷۴ امسال دارند در کوچه شان روزه برگزار می کنند. بعد از اینکه زینب خانم نجمی، به مناسبت ماه محرم، با اجازه همسایه ها پنج روز روزه در خیابان برگزار کرد، همسایه ها این قدر از این موضوع استقبال کردند که آن ها هم بانی شدند و قرار است کل سی روز محرم در این خیابان روزه خوانی برپا باشد.

استفاده بهینه از کوچه بن بست

بن بست توس ۷۴ از ابتدای محرم با پرچم های سیاه، پوشیده شده است. عصر که می شود، همسایه ها مهیای روزه سید الشهدا (ع) می شوند. از حدود ساعت ۱۷، زنان و دختران به سمت محل برگزاری روزه می آیند و در مدت کوتاهی، جمعیتی حدود صد نفر جمع می شوند. پسرهای نوجوان محل که به مداحی علاقه دارند، کنار هم می نشینند و به ترتیب بخش هایی از زیارت عاشورا را می خوانند. دعا که تمام می شود، گروه سرود دختران می آیند و سرودهای حماسی، انقلابی و عاشورایی می خوانند. سپس روحانی شان می آید و مراسم با سخنرانی و نوحه خوانی های او ادامه می یابد. در پایان برنامه، نوجوانان دعای الهی عظم البلاء را پخش می کنند و طنین آن در فضای پیچد. تجمعات شبانه در خیابانی شدن روزه های اهالی توس ۷۴ بی تأثیر نبوده است. زینب خانم نجمی که ایده اولیه این اقدام را با وجوده است، تعریف می کند: امسال که به اجتماعات شبانه می رفتیم، با خودم گفتم بد نیست در ایام ماه محرم، در خیابان هم روزه خوانی داشته باشیم. از آنجایی که انتهای توس ۷۴ بن بست است، به نظرش می رسد محیط مناسبی برای این اقدام باشد.



عکس: فهیمة شهری / شهرآرامش

ادامه یافتن عزاداری تا پایان محرم

زینب خانم می گوید: زنگ خانه همسایه های دور و برمان را زدم و گفتم «اگر بخواهیم در اینجا روزه خوانی داشته باشیم، شما راضی هستید؟» خدا را شکر موافقت کردند. ابتدا قرار بود من پنج روز روزه در کوچه برگزار کنم. دخترم گفت او هم سه روز دیگر را تقبل می کند. روز اول، زینب خانم با کمک چند تا از همسایه ها و پسرهای نوجوانشان کوچه را جارو می زنند، روفرش پهن می کنند، پرچم سیاه می زنند و... او تعریف می کند: تا روز پنجم روزه ها هر روز تعداد شرکت کنندگان بیشتر می شد. همسایه ها آن قدر خوششان آمد که آن ها هم پیشنهاد کردند و گفتند می خواهند بانی روزه ها باشند و تعداد روزهای بیشتری در کوچه برگزار شود. در نتیجه این استقبال، تا الان برای کل سی روز محرم، بانی پیدا شده است.

آن ها دسته جمعی کارهای روزه ها را انجام می دهند. با کمک هم پذیرایی می کنند، چای و شربت درست می کنند، کم و کسری ها را از خانه هایشان می آورند. بعضی روزها هم در خانه زینب خانم غذای نذری می پزند و بین شرکت کنندگان در روزه ها پخش می کنند.

شریک شدن همسایه ها در برگزاری روزه

خیرالنسا ادیب یکی از بانیان روزه هاست. او می گوید: وقتی دیدم خانم نجمی روزه اش را در خیابان برگزار کرد، خیلی خوشم آمد. هوا خوب است و محیط باز به نظر او باین کار، کسانی که هزینه برپایی یک روزه کامل را ندارند، می توانند دو یا چند نفری با هم شریک شوند و با مالی هر چند کم، بانی روزه باشند.

خیرالنسا خانم به دخترش که عضو گروه سرود مسجد فاطمه الزهرا (س)

است، اشاره می کند و می گوید: دختران هم از اینکه روزه هادر خیابان است و می توانند در آن سرود اجرا کنند، خیلی خوشحال هستند. فاطمه انحصاری از همسایه هایی است که تقریباً هر روز به این روزه ها می آید. او نوه هفت ساله اش را که کنارش نشسته است، نشان می دهد و می گوید: عصر که می شود، چشمش به ساعت است که بیاییم روزه اینجا.

به نظر او این روزه ها روی تربیت بچه های محل و تقویت اعتقاداتشان تأثیر می گذارد. برای همین دوست دارد در مناسبت های بعدی نیز به همین منوال در خیابان برنامه داشته باشند.

صفای این روزه ها بیشتر است

این روزه ها محفل بسیار خوبی برای نوجوانان محل است. آن ها علاوه بر اینکه مسئولیت هایی همچون نصب پرچم و باند ها را برعهده دارند، به تلاوت زیارت عاشورا هم می پردازند. علیرضا میرزایی، محمد نصراللهی، محمد سبحان رباطی، سید ابوالفضل رضوی و ابوالفضل خرسند، بچه هایی هستند که در این امور مشارکت می کنند. ابوالفضل که دارد باند ها را به مسجد می برد، می گوید: این روزه ها خیلی با صفاست. من و دوستانم از اینکه می توانیم کاری برای روزه انجام دهیم، حس خوبی داریم. حجت الاسلام والمسلمین محمد باقر قندری، روحانی این روزه خیابانی و بسیاری از روزه های این محله است.

به نظر او خیابانی کردن روزه ها می تواند نمادی همچون اجتماعات شبانه باشد و برکات زیادی برای محله و شهر و جامعه به ارمغان بیاورد. او تأکید می کند: خدا را شکر همسایه های این محله همکاری می کنند. کوچه هم بن بست و فضایش مناسب است اما به طور کلی در چنین برنامه هایی باید ملاحظات اجتماعی را هم رعایت کرد.

او ادامه می دهد: ما کاسبیم و نمی توانیم در مغازه را ببندیم و روزه برویم. وقتی این ها در خیابان روزه برپا می کنند، ما هم فیض می بریم. خدا خیرشان دهد. مشکلاتش هم مهم نیست. یکی دیگر از کسبه لیوان های خالی افتاده در جوی کنار خیابان را نشان می دهد و می گوید: این ها را ببینید. هر روز همین طور کلی لیوان یک بار مصرف در خیابان ریخته می شود. او تأکید می کند: فکر نمی کنم کسی با برپایی روزه امام حسین (ع) مخالفتی داشته باشد اما کاش بانیان حواستان به این موضوعات هم باشد. یکی دیگر از هم محله ای ها در جواب او

می گوید: اگر به خودشان بگویند، مراعات می کنند. خیلی از کارهای محل و مسجد را بانیان همین روزه ها بدون هیچ چشمداشتی انجام می دهند. الان هم اگر متوجه این موضوع شوند، حتماً برای رفعش دست به کار می شوند. به نظر او، نه با سنگ اندازی، بلکه با همدلی و همراهی است که محله آباد می شود. بعد هم تأکید می کند: این روزه ها فرصتی برای همدلی و رشد محله مان است. باید قدرش را بدانیم!

مسئولیت بانیان روزه در قبال به محله

بعد از پایان مراسم، همسایه ها پراکنده می شوند. بسیاری شان در جاهای مختلف کوچه مشغول صحبت و خوش و بش هستند. سراغ یکی از کسبه می رویم. او برپایی روزه در خیابان را مایه سروصدا و بریز و پاش می داند اما همسرش که کنارش نشسته است، بلافاصله بین حرفش می آید و می گوید: همیشگی که نیست. هزار نوع سروصدا و مشکل دیگر در همین محله ها داریم. این چند روز محرم، فدای امام حسین (ع).

